

توسعه فناوری نانو در حوزه سلامت انتخاب می‌کند و سپس بر اساس موضوع آن که «کاربردهای نانو در داروهای ضدسرطان» بود، به دانشگاه‌های علوم دارویی فراخوان می‌دهد. طرح واکسن ضدسالک دکتر جعفری (که بعدها به تولید اولین پماد نانوی ضدسالک منجر می‌شود) هم در میان طرح‌های برگزیده‌ای است که اکنون به دلیل محدود شدن موضوع و تعداد آنها، هر کدام بودجه بیشتری را به خود اختصاص می‌دهند که ضریب موفقیت را بالا می‌برد. چنانچه می‌بینیم طرح دکتر جعفری هم به نتایج خوبی می‌رسد و زمینه مثبت‌آشنایی و اعتماد بعدی ستاد نانو به او را فراهم می‌کند.

ایرانی علیه ایرانی

مسیر اصلی ساخت داروهای پیشرفته و زیست‌مشابه (که فرمولاسیون آنها مشابه داروهای تجاری است و عملکرد مشابهی دارند)، انتقال فناوری است و قطعا یکی از پایه‌های این انتقال فناوری، حضور فناوران و محققان پرتجربه است. اما متأسفانه در ایران کمتر محقق است که بعد از یادگیری و انباشت دانش در پروژه‌های مرتبط با داروهای پیشرفته و نو ترکیب، به کشور بازگردد و جالب آنکه زمانی که کسی مثل دکتر جعفری یافت می‌شود که فراتر از تحقیقات دانشگاهی، عزم جدی برای تولید در شرایط سخت تحریم و کمبود زیرساخت‌های تکنولوژیک را داشته باشد، علاوه بر واردکنندگان حرفه‌ای و پر قدرت دارو، باید با اغراض ضد ایرانی و اشکالات به ظاهر علمی که متأسفانه توسط برخی

ایرانی‌ها هم اجرایی می‌شود، دست و پنجه نرم کند. اما اجرای عجیبی که علیه داروی سینادوکسوزوم ایرانی رخ می‌دهد، یکی از نمونه‌هایی است که شاید برای خیلی‌ها باورپذیر نباشد؛ یکی از همکاران دکتر جعفری که در همان ابتدای کار و به صورت دوستانه و شخصی، یک نمونه از محصول دارویی شرکت را از او گرفته است، بدون اجازه و بدون رعایت استانداردهای نگهداری دارویی، آن را به گروهی از محققان یک دانشگاه خارجی ارسال می‌کند. آنها در یک مقاله و بر اساس تست‌های ادعایی انجام گرفته روی همان نمونه غیراستاندارد، اعلام می‌کنند که داروی ایرانی خواص مشابه نمونه‌های خارجی را دارا نیست. حتی پس از پیشنهاد دکتر جعفری برای ارسال نمونه رسمی و تکرار تست‌ها در حضور نماینده رسمی سازمان غذا و دارو هم، باز هم یکی از ایرانیان حاضر در آن شرکت است که مخالفت می‌کند! در نهایت دکتر جعفری و شرکت اکسیر مجبور می‌شوند تا زمان و هزینه زیادی را صرف انجام آزمایش‌های استاندارد در آزمایشگاه‌های معتبر خارجی بکنند تا بتوانند این ادعای ظاهراً علمی را، با دلایل دقیق و به زبان علمی رد بکنند. اتفاقی که برای داروی سینادوکسوزوم شرکت اکسیرسینا می‌افتد، یک تجربه و نمونه روشن از مواجهات ناجوانمردانه‌ای است که شرایط پیشرفت علمی کشور ما را بسیار متفاوت از کشورهای دیگر می‌کند و نشان می‌دهد که علاوه بر چالش‌های پیچیده تحریمی، کار در این فضا گاهی چقدر می‌تواند سخت و پیش‌بینی‌ناپذیر باشد. و البته در ایران، محققانی که هفت خوان کسب علم و تولید صنعتی را پشت سر گذاشته‌اند، در برابر مسیر پریپیچ و خم بازاریابی تنها می‌مانند. چرا که تازه در گام آخر، باید با چالش‌های بزرگ حوزه بازاریابی و فروش و صادرات روبرو بشوند. مسائلی که از یک سو با جنس فعالیت‌های شرکت‌های دانش‌بنیان متفاوت است و انرژی محققانش را به جای تحقیق و توسعه، صرف ریز و درشت تبلیغات و بالا و پایین بازاریابی می‌کند و از سوی دیگر به دلیل نابالغ بودن بسترهای تجاری - صنعتی کشور و عدم حضور حلقه‌های حرفه‌ای و قابل اعتماد بعد از تولید (یعنی تکمیل‌کنندگان زنجیره ایده تا بازار)، چندان هم قابل بیرون‌سپاری نیست.

روایت‌هایی برای شکست محاصره‌ناامیدی

در ایرانی که از یک سو نهاد علمش باری به هر جهت در مسیرهای بی‌سرنجام و بی‌عمل توسعه پیدا کرده است و تولید و بازاریاب هم روی خوشی به آن نشان نمی‌دهد، تنها از طریق تولید آثار تجربه‌نگاری دقیق و مستندی مانند این کتاب است که می‌توان الگویی تحقق یافته از تصمیمات صحیح و حرکت‌های هدفمند و هوشمندانه را نشان داد و پیش از مردم برای نخبگان و تصمیم‌سازان، امکان‌پذیری جهش تولیدی مبتنی بر دانش بنیان را ملموس کرد. شاید بی‌راه نباشد اگر بگوییم که در نبود تصویر روایت تأثیرگذاری از صنعت داروسازی ایران، که یکی از اثرات آن را در دوران کرونا و در نابوری عمیق بسیاری از مردم نسبت به تولید واکسن ایرانی دیدیم، خود کتاب «داستان نانوتروا» هم به مانند اسب چوبینی است که با انتخاب درست سوژه و روایت دقیق و به‌اندازه‌اش، می‌تواند محاصره‌ناامیدی و مانمی‌توانیم را بشکند. گرچه گویا متأسفانه کمتر مسئول مرتبطی است که برای چنین آثاری ارزش قائل شود، جز رهبر انقلاب که ارزش این روایت‌ها و فهم‌آنانش را به خوبی می‌شناسد؛ در مستند «غیررسمی»، که در آن بخشی از یکی دیدارهای همیشگی رهبر با نخبگان و محققین کشور پخش شد، رهبری به خواندن کتاب «داستان نانوتروا» اشاره کردند و بعد از آنکه متوجه شدند دکتر جعفری هم در آن جمع حاضر هستند، گفتند که من برای شما و آن دوستی که به شما توصیه کرد تا به ایران بازگردید و برای کشورتان کار کنید، دعا کردم.



نقطه تمایز کتاب «داستان نانوتروا» همینجاست که منحصر در ترسیم تلاش‌های دکتر جعفری نمی‌شود و با دقت، یک تجربه موفق نانوسیاست‌گذارانه را روایت می‌کند



اتفاقی که برای داروی سینادوکسوزوم شرکت اکسیرسینا می‌افتد، یک تجربه و نمونه روشن از مواجهات ناجوانمردانه‌ای است که شرایط پیشرفت علمی کشور ما را بسیار متفاوت از کشورهای دیگر می‌کند و نشان می‌دهد که علاوه بر چالش‌های پیچیده تحریمی، کار در این فضا گاهی چقدر می‌تواند سخت و پیش‌بینی‌ناپذیر باشد